

## نسخ تدریجی تاریخ

دکتر برزو نجمی

«بخش سوم»

در شماره های پیشین ایران زمین (۳ و ۲)، معلوم گردید که اتهام دوگانگی، جنگ اهریمن و اهورامزدا، نور و تاریکی، همگی از بی بهرگی و دانش کم تاریخ نویسان و نویسندگان قشری و مغرض بوده است که تدریجاً بصورت کلیشه ای و روزمره در آمده است. این اتهام های بی روا کم کم عاداتی شده که بمرور زمان جا افتاده بودند تا اینکه در چند سده اخیر روشن شده است. دو تا از این دروغ نویسی ها عبارتند از ۱ - زادگاه زرتشت و ۲ - تاریخ زادروز او.

۱ - زادگاه زرتشت: فیلسوف بی نظیر و دادنای بی همتای ایرانی «اشو زرتشت» در عصر برنز (برنج) که بعد از پارینه سنگی است و تقریباً همزمان با عصر آهن در شرق ایران ( احتمالاً در حدود خوارزم یا دریاچه آرال) پا بعرصه وجود گذاشته و در همان مکان اندیشه خود را وانمود و تبلیغ نموده و در همان مرز و بوم هم وفات یافته است. ( بااحتمال زیاد از مرگ طبیعی ) و می شود حدس زد که در مزار شریف بخاک سپرده شده است. مرور زمان، جبر طبیعت، تعصب انسانی، آفت های گوناگون همگی دست بدست هم داده و گشایش این راز را مشکل نموده است.

### ایران زمین

اولین انحراف بزرگ در مشخص نمودن زادگاه زرتشت، نادرستی و فهم اشتباهی در چهارسو یا جهت یا کوست (بروزن دوست) ایران بزرگ بوده است. شمال و جنوب، مشرق و مغرب که در زبان پارسی کنونی بکار می‌رود همگی از واژه های تازی هستند و بدون شک نام پارسی آنها متفاوت است.

اگر از فرهنگ ها و نوشته های شاعران پارسی زبان پژوهشی بعمل آید، گواهی میشود که زبان پارسی شمال و جنوب ندارد. هم چنین شرق را گاهی خاور یا خاوران و گاهی نیز باختر نامیده اند. غرب را باختر و گاهی نیز خاور خوانده اند. از شگفتی اینکه، شاعران مشهوری چون فردوسی و خاقانی و غیره نیز این جهات را اشتباهی در اشعار خود بکار برده اند و آنها را با یکدیگر در آمیخته اند.

این اشتباه در اواخر حکومت هخامنشیان پدید آمد و تدریجاً در زمان ساسانیان و کم کم بعد از هجوم تازیان بایران کامل شد. در زمان هخامنشیان مملکت ایران کشوری بود بسیار وسیع که دارای ساتراپ های (استانهای) مختلف بوده و سمت (یا جهت یاسو) را بنام استانهائی که در آن جهت بوده نام میبردند، مثلاً ساتراپ جنوب را نیمروز و ساتراپ خراسان را خور آیان (بعبارت امروزی) مشرق می نامیدند.

در زمان ساسانیان کشور ایران را به چهار بخش نموده و هر سمتی را کوست (بروزن دوست بمعنی سویا جهت) می نامیدند.

### ایران زمین

۱ - کوست خراسان: شامل خراسان امروزی . خوارزم ، بخارا، سغد (ماورالنهر) و گرگان (استرآباد) و هرات (افغانستان فعلی) و مانند اینها. خراسان به معنی خور آیان یا جائیکه خورشید از آن جهت سر میزند (بیرون میآید) یا بعبارت امروزی مشرق تازی .

۲ - کوست خور بران : شامل سورستان ( عراق تازی)، کرمانشاهان ، همدان تا سرحد روم، خوربران به معنی خور روان است یا جائیکه خورشید در آن جهت فرو میرود یا بعبارت امروزی مغرب و همین واژه است که خاوران و خاور گردیده است.

۳ - کوست باختر: شامل آذربایجان ، ارمنستان ایران، گرجستان، آران و کوهستان قفقاز و دربند و ری و دماوند و گیلان و تپورستان (طبرستان) و دیلمان و تالشان و غیره، باختر یا اباختر یا اباختر اوستائی در پارسی بدو معنی بوده یکی توده ستارگان (کهکشانشان) و دیگری شمال که در اینجا منظور این معنی است .

۴ - کوست نیمروز شامل خوزستان و پارس و سند و سیستان و یمن و مانند اینها، نیمروز به معنی ظهر است، چون بهنگام ظهر آفتاب در جنوب دیده میشود و ظهر وسط روز است. بدین جهت جنوب را نیمروز نامیده اند.

چون شاهنامه از روی کتاب خداینامه تنظیم شده و در آن کتاب در باره چهار بخش کردن ایران آگاهی درستی نداشته اند ، این است که گفته های فردوسی در مورد جهات ایراد دارد . در این شک و

### ایران زمین

تردیدی نیست که اصل واژه های چهارسو، خوراسان، خوربران، باختر یا اپاختر و نیمروز بوده و در تاریخ طبری نیز درست ثبت شده است. بنابر این در مقابل نام های مشرق و مغرب و شمال و جنوب در زبان پارسی چهار کلمه خوراسان ( خور آیان)، خوربران (خاوران)، باختر یا اباختر یا اپاختر اوستائی و نیمروز است. بدتر از همه وارونه کاری است که در باره خاور و باختر روا داشته گاهی آن را بنام شرق و گاهی غرب نامیده اند و گاهی عکس آنرا بکار برده اند، در حالیکه باختر بمعنی هیچ یک از شرق و غرب نیست بلکه شمال است.

راز معرفی یا معروف شدن دو واژه خاور و باختر به معنی شرق و غرب یا بالعکس بر ما پوشیده است. آنچه از راه پندار می فهمیم این است که کسانی از آنانکه دوستدار واژه های پارسی بوده اند و بکار بردن آنها را در گفته های خود و نوشته هایشان بکار برده اند آن واژه ها را بهتر از عربی میدانسته اند واژه خاور را خورآور معنی نموده و آنرا بمعنی مشرق پنداشته و بهمین معنی بکار برده اند و چون در برابر آن واژه پارسی جز باختر نمی شناخته اند این را هم به معنی مغرب پنداشته اند. بویژه اینکه این دو واژه کار قافیه سازی را آسان می ساخته و با بکار بردن این دو واژه شعر گوئی آسانتر میشده است پژوهش کسانی که از راه کاوش در زبان پهلوی و نوشته های پارسی قدیم تعیین نموده است که خاور نه به معنی شرق بلکه

### ایران زمین

غرب است این است که آنرا بجای واژه غرب بکار برده و چون لنگه ای برای آن جز باختر نمی شناخته اند. ناگزیر آنرا بمعنی شرق بکار برده اند. موبدان مغ نیز که از اواخر حکومت هخامنشیان به بعد وظایف روحانی دین زرتشت را انجام میداده اند، شمال را با شرق اشتباه گرفته و فهمیده تا نفهمیده و نسنجیده زادگاه زرتشت را از شرق ایران به آذربایجان (شمال) تغییر داده اند.

۲- تاریخ زادروز زرتشت: اشو زرتشت: آن فیلسوف و دانای بی نظیر تاریخ در سال ۱۷۶۷ قبل از میلاد در شرق ایران متولد شده است. تاریخ نویسان یونانی، زرتشت را پیغمبری بسیار قدیمی میدانند ولی دانشمندان غربی مخصوصاً جکسون و وست برای اولین بار در حدود قرن هیجدهم اظهار نظر نمودند که زرتشت ما بین ۶۶۰ تا ۷۰۰ سال ق م ظهور نموده است و باین ترتیب ظهور زرتشت را هزار سال بجلو آوردند. علت این تغییر مخالفت شدید دانشمندان یهودی و عیسوی تبار بوده که زرتشت را فرد تاریخی نمیدانستند. در صورتیکه خود خوب میدانستند که در تاریخی بودن عیسی و موسی شک و تردید فراوان است و کتابهای زیادی راجع بآن نوشته شده است. ولی در تاریخی بودن زرتشت تردیدی نیست. چون نویسنده و سراینده گاتها خود را زرتشت معرفی نموده و در گاتها بیشتر از ۲۰ مرتبه از خود

## ایران زمین

نام برده است.

جکسون و وست هر دو تحسین کنندگان زرتشت بودند و گاتهای او را خوانده و فریفته آن شده بودند. آنها دنبال بهانه می گشتند تا زادروز زرتشت را جلوتر آورند تا با نظریه بقیه تطبیق کند. همزیان با این مسئله دکتر وست کار ترجمه بَندهشن پهلوی را تمام کرده بوده که در جلد ۵ کتاب چاپ شده است. در این کتاب بندهشن که هزارسال قبل یعنی ۲۸۰۰ سال بعد از زرتشت و توسط موبدی که احتمالاً رزوانی بوده نوشته شده است به یک بخشی برخورد که در آن محاسبات گاه شماری اعراب بود. این بخش سالهای سال است که مورد انتقاد شدید دانشمندان قرار گرفته چون در آن نارسائی های فوق العاده زیاد و نادرستی های فراوانی وجود دارد معهدا محتویات این فصل از نوشته بصورت سندی سنتی گرفته شده که خلاصه آن این است که مذهب زرتشت برای ۳۰۰ سال خالص بوده و بعد از آن بسیاری از چیزهای نادرست و انحرافی در آن وارد شد. وست از این جمله استنباط کرد که منظور از این ۳۰۰ سال تاریخ سال شکست ایرانیان از اسکندر مقدونی است ( سال ۳۳۰ ) . بنابر این ۳۰۰ سال را به ۳۳۰ اضافه نمود و چون زرتشت در ۳۰ سالگی مبعوث شده است آنها را اضافه کرد و عدد ۶۶۰ ( ۶۶۰ - ۳۰ + ۳۳۰ ) سال بدست آورد و آنرا تاریخ تولد زرتشت قرار داد. چطور میشود با یک چنین جمله ی بی سر و تهی سالروز تولد مرد

### ایران زمین

فرهیخته ای مانند زرتشت را تهیه نمود؟ ضمناً خود یونانی ها تولد زرتشت را از ۱۵۰۰ تا ۳۰۰ سال قبل از مسیح میدانند و اما دانشمندان ایرانی و موبدان همگی متفق القول تاریخ تولد زرتشت را قدیمی تر از تاریخ وست میدانند و بآن اعتقاد را سخنی دارند بدلائل زیر. ۱ - تجزیه و تحلیل زبان گاتائی و نشانه های بی شمار دیگر نشان میدهد که زبان گاتائی ( سروده های زرتشت ) همزمان با زبان ودائی است که از ۱۷۰۰ سال قبل از مسیح قدیمی تر است. ۲ - در چندین سال اخیر در تورفان چین (ترکمنستان) کتابهای زیادی از مانی پیدا شده که کمک بسیار باارزشی بر روشن شدن زادروز زرتشت نموده است. ۳ - از مشتاقان دعوت میشود به تقویم و تاریخ در ایران از استاد ذبیح بهروز ایران کوده شماره ۱۵ و منابع انگلیسی و پارسی زیر رجوع شود

بطور فشرده زرتشت سه شنبه خرداد روز و فروردین ماه یزدگردی اول هزاره دهم به جهان آمده و سه شنبه خورشید روز دیمه خورشیدی جهان را بدرود گفته. امسال که سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی و ۲۰۰۱ میلادی است ۳۷۶۸ سال از زادروز او می گذرد.

\*\*\*

### مأخذ پارسی

- ۱ - برگرفته و پژوهش شده از فصلنامه پیام سروش سال دوم - شماره ۴ و مهنامه پیمان سال ۱ شماره ۱ و ۲ روانشاد احمد کسروی.
- ۲ - تقویم و تاریخ در ایران از ذبیح بهروز - گردآورنده استاد محمد مقدم - ایران کوده

ایران زمین

شماره ۱۵ تهران

۳ - مانی و دین او : سید حسن تقی زاده ۱۳۷۹ تهران

۴ - تاریخ طبری و نوشته های دیگر

REFERENCES

- 1 Sacred Books of the East (Vol.5) Edited ny Max Muller.
- 2 Books of Zoroastrian Religion by Tehmuraasp Rostamji Sethna
- 3 History of Zoroastrianism by Dr. Dhalla
- 4 Gatha of Zarathushtra by Dr. I. Taraporewalla.